**جلسه 64-176**

**‌شنبه - 14/11/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در این بود که نافله در حال سیر چهار صورت دارد:

صورت اول این بود که در سفر در حال رکوب نماز نافله بخواند حالا یا سوار دابه بوده با با وسائل نقلیه جدیده سفر می‌‌کند‌، سوار کشتی است، سوار ماشین است، ‌سوار هواپیما یا قطار است. خلافی نیست در این‌که شرطیت استقبال قبله در نافله ساقط می‌‌شود و لو بسهولة بتواند متوجه به قبله بشود مثل این‌که در کشتی کاملا جهت قبله را مشخص کردند و این آقا خیلی راحت مثل این‌که در خانه خودش نشسته به هر سمتی بخواهد نماز بخواند مشکل ندارد، ‌اطلاق روایت می‌‌گوید که شرط نیست استقبال قبله در این حال. و لو کاملا آسان هم باشد استقبال قبله ما دلیلی بر استقبال قبله نداریم. در روایت ابراهیم کرخی آمده است که انی اقدر ان اتوجه نحو القبلة فی المحمل قال هذا الضیق اما لکم فی رسول الله صلی الله علیه و آله اسوة؟ چرا به خودتان سخت می‌‌گیرید. در محمل گاهی امکان استقبال قبله هست چون محمل یک اتاقکی بوده روی شتر که حالا حداقل در حال نشسته شخص می‌‌توانسته نماز بخواند و مراعات جهت قبله را هم بکند‌ مثل همین کجاوه بوده در زمان‌های نزدیک به ما ولی امام فرمود نه، ‌چرا به خودتان سختی می‌‌دهید؟

البته بحث استقبال قبله شرطیتش ساقط می‌‌شود غیر از بحث نماز ایمائی یا نماز اختیاری است. شما اگر می‌‌خواهید در هواپیما یا در قطار نماز شب بخوانید استقبال قبله شرط نیست اما اگر می‌‌توانید وجهی ندارد نماز ایمائی بخوانید. شما نماز نشسته حداقل می‌‌توانید بخوانید با رکوع و سجود اختیاری. ما این‌که بگوییم نوبت به نماز ایمائی می‌‌رسد نماز ایمائی در حالی است که انسان یا خودش راه می‌‌رود یا سوار بر مرکب است، ‌یصلی علی الراحلة یصلی علی الدابة اینجا روایت داریم یومی ایماء، با ایماء نماز می‌‌خواند اما اگر نه، ‌شما در قطار نشستید نه خودتان راه می‌‌روید و نه آن حالت سواره‌ای که روی شتر هست این حالت برای شما هست، در یک اتاقکی در یک اتاقی نشسته‌اید حالا یا در قطار یا در هواپیما یا در کجاوه، روایت ایماء شامل این موارد نمی‌شود.

[سؤال: ... جواب:] نداریم در محمل ایماء بکنید آنی که داریم این است که یصلی علی الراحلة یومی ایماء، صلی علی راحلته این ظاهرش همین حالتی است که سوار بر مرکب می‌‌شدند فرق می‌‌کند با صلی فی المحمل‌، صلات فی المحمل نماز در کجاوه است آنجا نداریم یومی ایماء، صلات علی الراحلة همینی که روی شتر یا روی مرکب می‌‌نشست و حرکت می‌‌کرد، خب اینجا دارند ایماء بکن یا راجع به خود راه رفتن شخص دارد که صلات نافله در حال مشی امام فرمود جایز است و ایماء بکند اما اطلاق ندارد که در کشتی هم وقتی که شما نماز نافله می‌‌خوانید و شرطیت قبله هم ساقط است اما می‌‌توانید ایمائا نماز بخوانید، نه همچون چیزی نیست.

راجع به سقوط شرطیت استقبال بحث این است که از بعض روایات استفاده شده که انسان در حال تکبیرةالاحرام رو به قبله بشود. صحیحه عبدالرحمن ابی نجران می‌‌گوید سألت اباالحسن علیه السلام عن الصلاة باللیل فی السفر فی المحمل قال اذا کنت علی غیر القبلة فاستقبل القبلة ثم کبّر و صل حیث ذهب بک بعیرک. و لذا دلالت می‌‌کند بر این‌که اول نماز استقبال قبله بکن.

مشهور به این ملتزم نشدند بلکه تسالم اصحاب هست که استقبال قبله شرط نیست در صلات نافله در سفر در حال رکوب حتی در حال تکبیرةالاحرام. و لکن جواب این روایت را چی بدهیم؟ این روایت ظاهرش این است که استقبال قبله شرط است در حال تکبیرةالاحرام در نافله و لو در حال رکوب در سفر.

یک روایتی هست که در کافی نقل می‌‌کند از محمد بن سنان از ابن مسکان از حلبی، در آنجا تصریح می‌‌کند که در حال تکبیرةالاحرام استقبال قبله در نافله در سفر شرط نیست. روایت این است‌:‌ صلاة النافلة علی البعیر و الدابة قال نعم حیث کان متوجها قلت علی البعیر و الدابة؟ قال نعم حیث ما کنت متوجها قلت استقبل القبلة اذا اردت التکبیر؟ قال لا و لکن تکفّر حیث ما کنت متوجها و کذلک فعل رسول الله صلی الله علیه و آله.

این روایت نص است در عدم شرطیت استقبال قبله در حال تکبیرةالاحرام در نافله در سفر در حال رکوب.

و لکن سندش مشتمل بر محمد بن سنان هست. کسانی که محمد بن سنان را قبول ندارند مثل آقای خوئی مرحوم استاد ما هم تا حالا قبول نکردیم محمد بن سنان بخاطر تعارض توثیق‌ها و تضعیف‌ها راجع به ایشان و لذا این جواب تمام نمی‌شود. روایت محمد بن سنان قرینه نمی‌شود بر رفع ید از ظهور استقبل القبلة حین التکبیر در وجوب.

[سؤال: ... جواب:] مشکل زیاده ندارد. چون سکوت شیخ طوسی از نقل این جمله زایده که در کافی هست با یک سند دیگر ظهور ندارد در نفی زیاده. یک فقره حدیث را شیخ طوسی با سند خودش نقل کرد اما کلینی با سند خودش از محمد بن سنان کل حدیث را نقل کرد، ‌این‌ها با هم تعارض ندارند. اما سند کلینی اشکال دارد.

مرحوم آقای خوئی فرموده ما جواب دیگری می‌‌دهیم از صحیحه عبدالرحمن ابی نجران، می‌‌گوییم حمل مطلق بر مقید مختص به واجبات است. اعتق رقبة اعتق رقبة مؤمنة خب حمل می‌‌کنیم مطلق را بر مقید اما در مستحبات: زر الحسین علیه السلام، ‌زر الحسین علیه السلام مغتسلا یا فی لیلة الجمعة، ‌در مستحبات که حمل مطلق بر مقید نمی‌شود؛ حمل می‌‌شود بر اختلاف مراتب فضیلت.

مؤید این‌که در این روایات حمل نمی‌کنیم اطلاقات را که می‌‌گوید استقبال قبله شرط نیست بر این صحیحه عبدالرحمن ابی نجران‌ که فرمود در حال تکبیرةالاحرام مستقبل القبلة باش، جهتش این است، ‌مؤیدش این است که این همه روایات مطلقه که در مقام بیان هم بوده تقییدش با یک خبر مقید عرفی نیست.

این فرمایش آقای خوئی اشکال دارد:

اما این مؤید ایشان‌ که اطلاقات متعدده را با یک خبر مقید نتوانیم تقیید بزنیم این خلاف مبانی اصولی ایشان است. بله، بعضی‌ها مثل محقق همدانی نظرشان همین هست که فرمودند تعاضد عمومات که چند عموم دست به دست هم بدهند، ‌بعد یک خبر خاص و مقید بخواهد این عموم‌های متعاضده را تخصیص بزند این اقوائیت ظهور ندارد این خاص واحد در مقابل عام‌های متعدد و متعاضد. آقای خوئی که این مبنا را قبول ندارد. آقای خوئی می‌‌گویند جمع عرفی ما قائلیم، قرینیت و ذوالقرینیت ما قائلیم نه اقوائیت ظهور، ‌ما کاری نداریم که خاص اقوی ظهورا است تا بعد بگویید یک خاص در مقابل چند عام که کمک می‌‌کنند همدیگر را و ظهور همدیگر را تقویت می‌‌کنند این خاص که اقوی ظهورا نیست، ‌ما چه کار داریم به اقوی ظهورا. ما می‌‌گوییم عرف این خاص را قرینه می‌‌داند بر تصرف در مراد جدی از عموم.

[سؤال: ... جواب:] محقق همدانی این‌جور فرموده در عام، این روایات هم که مطلق هست که گفته حیث ما کنت متوجها. ... چند تا اکرم کل عالم داشتیم، ‌یک خطاب خاص می‌‌گوید لاتکرم العالم الفاسق، چه مشکل دارد. ... حداقل این است که آقای خوئی قبول ندارد آن وقت اینجا به عنوان مؤید ذکر کرده. حالا مؤید از باب این‌که بعضی‌ها نظرشان این هست مثل محقق همدانی خب اشکال ندارد.

اما آن دلیل ایشان‌ که فرمود در اصول گفتیم حمل مطلق بر مقید در مستحبات نیست، در واجبات است: آقا!‌ در کجای اصول شما این را فرمودید که ما ندیدیم؟ مشهور این را گفتند که حمل مطلق بر مقید در واجبات است نه در مستحبات. شما اشکال کردید، ‌شما فرمودید گاهی خطاب مقید امر را برده روی مقید گاهی امر را برده روی تقید. یک وقت مولی که می‌‌گوید زر الحسین علیه السلام که خطاب مطلق است خطاب مقیدش این است: زر الحسین علیه السلام مغتسلا، ‌امر به مقید، امر به حصه‌ای از زیارت حسین علیه السلام. این را فرمودید تعدد مطلوب است، ‌حمل می‌‌شود بر اختلاف مراتب فضیلت که مطلب درستی هم هست. اما فرمودید یک وقت آن امر به مقید رفته روی تقید:‌ و لیکن زیارتک مع الغسل. فرمودید این ظهور دارد در ارشادیت به شرطیت غسل برای زیارت ابی عبدالله علیه السلام. صل صلاة النافلة، ‌خطاب آخر می‌‌گوید و لتکن صلاتک النافلة مع الوضوء، خب این ظهور دارد در ارشادیت وضوء در صلات نافله. این فرق می‌‌کند با این‌که بگوید صل صلاة النافلة متوضأ که امر به مقید است.

در مانحن‌فیه هم امر نرفته روی صلات نافله مستقبل القبلة در حال تکبیرةالاحرام که بگویید امر به مقید رفته، نه، می‌‌گوید و استقبل القبلة حین التکبیر، ‌امر رفته روی تقید یا امر به تعبیر بهتر رفته روی قید، ‌ظهورش ارشاد به شرطیت است. یک جا فرموده صل النافلة فی السفر راکبا حیثما توجهت، ‌روایت دیگر می‌‌گوید که و استقبل القبلة حین التکبیر ثم صل حیثما توجهت، خب این ظهور در ارشاد به شرطیت استقبال قبله در حال تکبیرةالاحرام دارد.

[سؤال: ... جواب:] ما معتقدیم که بیان‌ آقای خوئی در اصول بیان تمامی است و طبق بیان ایشان اینجا باید ایشان قائل به شرطیت می‌‌شد. بله، طبق مبنایی که ما در بحث ظهورات انتخاب کردیم گفتیم احتمال ارتکاز متشرعه بر عدم شرطیت استقبال قبله در نافله در سفر، ‌این احتمال هست که ارتکاز متشرعه برایش واضح بود که در سفر نافله را می‌‌شود روی مرکب خواند بدون استقبال قبله در تکبیرةالاحرام، این احتمال ارتکاز متشرعی بارها عرض کردیم به مثابه قرینه لبیه متصله است؛ مانع می‌‌شود از احراز انعقاد ظهور در خطاب امر در این‌که این امر، امر وجوبی است. مهم این است که احتمال قرینه حالیه نوعیه می‌‌دهیم که ارتکاز متشرعه است بر عدم وجوب استقبال در حال تکبیرةالاحرام در نافله در سفر.

علاوه بر این تسالم اصحاب، ‌تسالم فقهاء. این هم می‌‌تواند دلیل باشد بر مطلب.

[سؤال: از سؤال‌های اصحاب در روایات معلوم می‌‌شود که اصل عدم وجوب استقبال در صلات نافله برای آن‌ها واضح نبوده تا چه برسد به عدم وجوب استقبال در تکبیرةالاحرام صلات نافله. جواب:] متدینین می‌‌خواستند نماز نافله بخوانند. ... احتمال عرفی که می‌‌دهیم حداقل که این ارتکاز متشرعی در آن زمان بوده بر این‌که نافله در سفر در حال رکوب که صلی رسول الله صلی الله علیه و آله علی راحلته حیثما توجهت. خب شاید این ارتکاز متشرعی فرق نمی‌گذاشته بین حال تکبیرةالاحرام و غیر آن. کما این‌که در روایات مطلقه علی کثرتها این تفصیل نیامد، فرمود صل حیثما توجهت.

[سؤال: ... جواب:] خیلی بخواهید به نقل به معناها گیر بدهید این موجب انسداد باب فقه می‌‌شود، ‌عرض کردم العمری ثقة فاسمع له و اطع، می‌‌گوید هر چه نقل کرد بپذیر، شما می‌‌گویید که شاید به شکل مقید امر کرد امام ولی راوی امر به تقید را نقل کرد که ظهور در ارشاد به شرطیت دارد، ‌خب ما چه کار کنیم، این‌جور نقل به معنا کرده و امام هم فرموده که فاسمع له و اطع.

بحث دیگر این هست که آقای خوئی فرموده است که از روایات استفاده می‌‌کنیم اول نماز تا آخر نماز قبله‌ات سر دابه باشد آن جهتی که دابه به آن جهت متوجه است. حالا دابه نیست، فرمان ماشین، ‌فرمان هواپیما. این صندلی‌هایی که در اتوبوس می‌‌گذارند یا در قطار که پشت به فرمان هستید، نه، نافله می‌‌خواهید بخوانید رویت را برگردان به سمت جلوی قطار، به سمت جلوی ماشین، به سمت جلوی هواپیما. به چه دلیل؟‌ آقای خوئی فرموده که ببینید! صحیحه ابی نجران چی می‌‌گفت؟ می‌‌گفت صل حیث ذهب بعیرک. صل حیث ذهب بعیرک یعنی نماز بخوان به آن جهتی که شترت به آن جهت می‌‌رود.

[سؤال: ... جواب:] راهنمایی و رانندگی ممنوع اعلام کرده احتمالا که شتر دنده عقب برود.

در صحیحه حلبی دارد که یصلی حیث کان متوجها. اصلا بالاتر بگوییم: صحیحه زراره از امام باقر علیه السلام نقل می‌‌کند الرجل یصلی النوافل فی السفینة قال یصلی نحو رأسها، ‌به سمت جلوی سفینه متوجه باشد و نماز بخواند. دیگه با وجود این روایات نوبت می‌‌رسد به اطلاقات رجوع کنید؟ به اصل برائت رجوع کنید؟

به نظر ما این صحیحه زراره در مورد سفینه، خوب است. یصلی نحو رأسها، نفرمود یصلی حیث شاء.

[سؤال: ... جواب:] خلاف ظاهر است. چه کار دارید به معمول؟ شما بگویید یصلی حیث شاء. ... در سفینه معمولا به سمت جلوی سفینه نماز می‌‌خوانند؟ به هر سمتی می‌‌نشینند، اتفاقا چهارگوش می‌‌نشینند.

منتها الغاء خصوصیت از سفینه به دابه، ‌قطار، هواپیما، ‌ماشین یک مقدار مشکل است. الغاء خصوصیت مشکل است. بله، ‌از باب احتیاط بخواهیم بگوییم حرفی نیست ولی فتوی مشکل است.

اما آن روایت صحیحه ابی نجران و صحیحه حلبی که ایشان فرمود دلالت نمی‌کند که آقا. صل حیث ذهب بعیرک در صحیحه ابی نجران این بود که موقع تکبیرةالاحرام رو به قبله بشو ثم صل حیث ذهب بعیرک. خب این ظاهرش این است که استقبال قبله بقائا شرط نیست. اول تکبیرةالاحرام رو به قبله بشو ثم صل حیث ذهب بعیرک دیگه لازم نیست که جهت قبله را مراعات کنی، ‌هر سمتی که بعیرت می‌‌رود شما هم نماز بخوانی اشکال ندارد. ظاهرش الغاء شرطیت استقبال قبله است.

اصلا حیث غیر از جهت است. صل حیث ذهب بعیرک غیر از صل الی الجهة التی یذهب بعیرک هست. صل حیث ذهب بعیرک این معنایش این است که شما هر جور که شترت می‌‌رود می‌‌توانی نماز بخوانی، نمی‌گوید به آن سمتی که سر شترت هست به آن سمت نماز بخوان. یعنی آزادی، این‌طور نیست که اول نماز که رو به قبله بودی آن وقت بر اساس قبله نشستنت را روی شتر تنظیم کنی. صل حیث ذهب بعیرک هرجور که شترت می‌‌رود تو می‌‌توانی همان‌جور نماز بخوانی، ‌این از باب تسهیل است یعنی سخت‌گیری نیست که منحرف بشوی به سمت قبله. نگفت صل الی الجهة‌ التی توجه بها بعیرک.

[سؤال: ... جواب:] احتراز نیست، تسهیل است. ... بعضی‌ها روی دابه که می‌‌نشینند، ندیدید در روستاها گاهی پای‌شان را به یک طرف دراز می‌‌کنند یک وری می‌‌نشینند گاهی راننده کس دیگر است این هم پشت به راننده می‌‌نشیند. ... بنده هم عرض می‌‌کنم ظهور ندارد در بیان شرطیت توجه به آن سمتی که سر دابه به آن سمت است.

آن صحیحه حلبی هم که اصلا دارد صل حیث کنت متوجها. صل حیث کنت متوجها نه صل حیث کانت دابتک متوجهة.

[سؤال: ... جواب:] در صحیحه حلبی دارد که صلاة النافلة علی البعیر و الدابة قال نعم حیث کان متوجها، ‌این حیث کان متوجها فاعلش کیه؟ ... معلوم نیست شاید مصلی باشد. مصلی حیث کان متوجها یعنی فاینما تولوا فثم وجه الله، به هر سمتی که متوجهی باش، ‌مهم نیست. چرا معنا می‌‌کنید حیث کان البعیر متوجها؟ اتفاقا در روایت محمد بن سنان‌ که توضیح می‌‌دهد می‌‌گوید نعم حیث ما کنت متوجها.

بله، ‌عرض کردم راجع به سفیه روایت دارد که و لیکن صلاته علی رأسها، نمازت به سمت سر سفینه باشد، خب قبله‌اش شده رأس السفینة.

[سؤال: ... جواب:] و لکن تکبر حیث ما کنت متوجها، روایت محمد بن سنان این است. روایت محمد بن سنان موافق ما است. روایت محمد بن سنان دارد: نعم حیث ما کنت متوجها قلت استقبل القبلة اذا اردت التکبیر؟ قال لا و لکن تکبر حیث ما کنت متوجها، هر سمتی بودی همان سمت تکبیرةالاحرام بگو یعنی نه استقبال قبله شرط است نه استقبال آن جهتی است که دابه به آن سمت حرکت می‌‌کند. هر سمتی که خودت بودی به همان سمت تکبیرةالاحرام بگو و نماز بخوان. ... شبهه این بود که در حال تکبیرةالاحرام واجب باشد استقبال قبله، امام می‌‌فرمایند نه، لازم نیست، استقبال قبله در تکبیرةالاحرامت هم شرط نیست در نافله در سفر. به هر سمتی که متوجهی به همان سمت تکبیرةالاحرام بگو، یعنی نه استقبال قبله شرط است نه استقبال آن جهتی که دابه تو به آن جهت دارد حرکت می‌‌کند. منتها روایت محمد بن سنان است این. روایت صحیحه حلبی دارد که نعم حیث ما کان متوجها او مجمل است، شاید کان فاعلش خود مکلف باشد نه بعیر. اگر فاعلش خود مکلف باشد نه بعیر این می‌‌گوید هر سمتی که متوجه هستی نماز بخوان لازم نیست رو به قبله باشی.

از این بحث بگذریم.

صورت ثانیه از صور نافله در حال سیر نافله در سفر است در حال مشی:

صحیحه یعقوب بن شعیب می‌‌گوید عن الصلاة فی السفر و انا امشی قال أُوم ایماء. متعارف در حال مشی این است که انسان رعایت قبله نمی‌کند و امام هم متعرض نشد که رعایت قبله بکن در حال نماز در حال راه رفتن. این نشان می‌‌دهد که استقبال قبله شرط نیست.

اما در صحیحه معاویة بن عمار دارد که: لابأس بان یصلی الرجل صلاة اللیل فی السفر و هو یمشی، بعد دارد که: و لابأس ان فاتته صلاة اللیل ان یقضیها بالنهار و هو یمشی، یتوجه الی القبلة، ‌اولش به سمت قبله متوجه بشود، ثم یمشی و یقرأ فاذا اراد ان یرکع حوّل وجهه الی القبلة و رکع و سجد ثم مشی. اول که شروع می‌‌کند به نماز رو به قبله‌، ‌الله اکبر، ‌بعد راهش را ادامه می‌‌دهد، ‌تا خواست رکوع کند متوجه قبله می‌‌شود رکوع می‌‌کند، ‌بعد سجده می‌‌کند، ‌بلند می‌‌شود رکعت دوم را هم راه می‌‌رود به مقصد خودش و ادامه می‌‌دهد نماز را. این روایت که استقبال قبله را در حال تکبیرةالاحرام معتبر دانست در حال مشی و بعد رکوع و سجود را هم گفت اختیاری باشد و رو به قبله. ولی صحیحه یعقوب بن شعیب صریحا می‌‌گوید لازم نیست رکوع و سجود اختیاری. یومی ایماء و یجعل السجود اخفض من الرکوع، ‌در همان روایت صحیحه یعقوب بن شعیب صریحا می‌‌گوید رکوعش هم ایمائی باشد، سجودش هم ایمائی باشد یعنی می‌‌تواند ایمائی باشد، ترخیص هست، امر در مقام توهم حظر ظهور در ترخیص دارد، می‌‌تواند رکوعش و سجودش ایمائی باشد. خب نص است در جواز ایماء الی الرکوع و السجود، حمل می‌‌شود امر به رکوع و سجود اختیاری در صحیحه معاویة بن عمار بر مراتب فضیلت.

صورت ثالثه این است که در حضر، این محل ابتلاء زیاد هست‌، راکبا می‌‌خواهد نافله بخواند. نماز شب در راه در داخل شهر از خانه‌اش دارد می‌آید به درس، نماز شبش قضاء شده به جای این‌که نمی‌دانم بر دارد این سرودهای مشکوک را گوش بدهد می‌آید نماز شبش را قضاء می‌‌کند، ‌هنیئا! حالا می‌‌خواهد نماز شب را قضاء کند مشهور گفتند ایمائی نماز بخواند، ‌قبله هم شرط نیست.

ابن ابی عقیل در مختلف نقل می‌‌کند گفته نه دیگه. استحباب و مشروعیت نافله بدون رعایت قبله مخصوص سفر است نه حضر. اشکال کردند مشهور گفتند آقا! روایت داریم در حضر که می‌‌شود انسان در حال سیر نماز بخواند. معتبره حماد بن عثمان: الرجل یصلی النافلة و هو علی دابته فی الامصار، داخل شهر، به قول شما می‌‌گویید سفر درون شهری، فقال لابأس، می‌‌شود انسان سوار مرکب، ‌سوار ماشین مثلا در امروز، ‌نافله‌اش را بخواند. خب این هم ظاهر در این است که رو به قبله لازم نیست باشد چون در داخل شهر انسان در کوچه‌های مختلف عبور می‌‌کند، از خیابان‌های مختلف عبور می‌‌کند عادتا رعایت نمی‌شود استقبال قبله در عین حال فرمود که اشکال ندارد نماز نافله بر دابه در داخل شهر.

صحیحه عبدالرحمن بن الحجاج هم هست: الرجل یصلی النوافل فی الامصار و هو علی دابته حیث ما توجهت به قال لابأس. این هم مشکل ندارد.

صورت رابعه برای فقیر فقراء است که از خانه‌اش می‌آید بیرون پیاده باید بیاید. النافلة فی الحضر ماشیا:

ابن ابی عقیل گفته من فرق نمی‌گذارم، ‌در حضر چه سوار مرکب باشی چه پیاده، من نماز نافله بدون استقبال قبله را مشروع نمی‌دانم برای سیر داخل شهر.

مشهور گفتند نه، اینجا هم به نظر ما مشروع است. تنها دلیل مشهور یک روایت است. آن هم صحیحه یعقوب بن شعیب که دارد:‌ الرجل یصلی علی دابته قال نعم بعد در ادامه دارد: قلت یصلی و هو یمشی؟ قال نعم یومی ایماء و اجعل السجود اخفض من الرکوع، ‌این روایت ندارد یصلی و هو یمشی فی السفر ولی در نقل دیگر صحیحه یعقوب بن شعیب داشت الصلاة فی السفر ماشیا. خب این‌ها که مثبتین هستند، ‌علم به وحدت روایت هم نداریم که. اگر علم به وحدت روایت داشتیم بله، صحیحه یعقوب بن شعیب در نقل تهذیب دارد: سألت اباعبدالله علی السلام عن الصلاة فی السفر و انا امشی، ولی احتمال می‌‌دهیم نقل کافی که اتفاقا سندش هم سه تایش مشترک است، محمد بن الحسین عن صفوان عن یعقوب بن شعیب، هر دو سندش در این سه تا مشترک است. ولی احتمال تعدد روایت می‌‌دهیم که در این نقل کافی دارد قلت یصلی و هو یمشی قال نعم یومی ایماء و اجعل السجود اخفض من الرکوع.

آن‌هایی که می‌‌گویند چون که اطمینان نداریم به وحدت این دو تا روایت بناء می‌‌گذاریم بر تعدد آن، خب این نقل کافی در آن ندارد یصلی و هو یمشی.

اما مشکل به اینجا ختم نمی‌شود. غیر از این اشکال که مرحوم آقای بروجردی می‌‌کرد می‌‌فرمود نقل به معنا در روایات زیاد بوده به جوری که از اختلاف متون روایات انسان می‌‌فهمد که یک متن بوده با نقل‌های به معنای مختلف، حالا غیر از این اشکال که باید بررسی کنیم اشکال مهم دیگر این است که در روایت صحیحه قید آمده در کلام امام: لابأس بالصلاة فی السفر و هو یمشی، صحیحه معاویة بن عمار:‌ لابأس بان یصلی الرجل صلاة اللیل فی السفر و هو یمشی، گفته می‌‌شود که بر فرض صحیحه یعقوب بن شعیب در نقل کافی قید فی السفر ندارد حجت باشد و غیر از نقل شیخ در تهذیب باشد، اما صحیحه معاویة بن عمار قید می‌‌زند می‌‌گوید لابأس بان یصلی الرجل صلاة اللیل فی السفر و هو یمشی، وصف مفهوم دارد، قید زاید مفهوم دارد. اگر فی السفر دخالت نداشت فی الحضر هم همین حکم را داشت ذکر قید فی السفر لغو بود. و لذا به نفع ابن ابی عقیل همچون مطلبی گفته می‌‌شد.

علاوه بر این‌که در تفسیر مجمع البیان، ‌در کتاب نهایه شیخ ذیل آیه اینما تولوا فثم وجه الله آمده نزلت هذه الآیة فی النافلة فی السفر قید خورده که این آیه در نافله در سفر آمده یعنی در نافله در حضر نیامده.

تامل بفرمایید ببینیم این استدلال به نفع ابن ابی عقیل درست هست یا نه ان‌شاءالله فردا.